

اعتبارسنجی نظریهٔ نسخ معکوس با تکیه بر آرای محمود محمد طه

سید ابراهیم مرتضوی*

استاد مدعو دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم، دانش آموخته دکتری علوم قرآن و
حدیث دانشگاه اراک، اراک، ایران

کیوان احسانی**

عضو هیئت علمی و استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۲۰)

چکیده

در پی تعارض سنت و مدرنیته، نظریات نویی از سوی دگراندیشان دینی مطرح شد که یکی از این نظریات در حوزهٔ علوم قرآن، نظریهٔ «نسخ آیات الفروع و بعث آیات الاصول» محمود محمد طه - صوفی و اندیشمند سودانی - است که به دلیل پیوند وثیق او با کارآمدی یا ناکارآمدی احکام قرآن، نیازمند بررسی است. سخنان طه نشان می‌دهد که وی علاوه بر نظریهٔ خود، به نسخ مصطلح نیز باور داشته‌است. نظریهٔ طه را «نسخ معکوس» نام نهاده‌اند، اما این نامگذاری دقت لازم را ندارد و بهتر آن است که این نظریه را جزء نسخ تمهیدی - با بسط دامنهٔ مصداقی آن - بدانیم؛ زیرا طه از نسخ مدنی به وسیلهٔ مکی سخنی نگفته‌است و عنوان نظریهٔ او نیز ناظر به این نسخ وارونه نیست. بنابراین، مراد او این است که آیات مکی اصل و آیات مدنی فرع هستند و با توجه به مانایی اصل و ناپایداری فرع، باید آیات الفروع را با قوانین نو روزآمد کرد. نویسندگان مقاله با بررسی نظریهٔ مزبور به روش توصیفی-تحلیلی، اشکالات ذیل را در این نظریه درخور توجه می‌دانند: عدم اعلام تغییر پیام ابدی آیات مکی بر اساس مقتضیات سیاسی مدینه از سوی پیامبر^(ص)، عدم اعتراض مسلمانان به تغییر بنیادین پیام ابدی آیات مکی، تقدم زمانی ناسخ بر منسوخ در نظریهٔ طه، در حالی که شرط تحقق نسخ، تأخر ناسخ نسبت به منسوخ است، عدم ارائهٔ دلیل برای اصل دانستن همهٔ آیات مکی و فرع دانستن همهٔ آیات مدنی و نیز وجود تناقض در مبنا و فروع این نظریه.

واژگان کلیدی: محمد طه، نسخ، نسخ معکوس، نسخ تمهیدی، نسخ عقلی و عقلایی.

* E-mail: si.mortazavi@yahoo.com

** E-mail: k-ehsani@araku.ac.ir (نویسندهٔ مسئول)

مقدمه

بعد از بروز تعارض میان سنت و مدرنیته، اندیشمندان بسیاری کوشیده‌اند تا تألیفی از این دو فراهم آورند و آن‌ها را با کمترین تعارض کنار هم نشانند. در این فرایند، سهم نواندیشان دینی^۱ اهل سنت بیشتر از نواندیشان شیعه بوده است که می‌توان به آثار دگراندیشان بسیاری، همچون فضل‌الرحمن ملک (۱۹۱۹-۱۹۸۸ م.)، محمد آرکون (۱۹۲۸-۲۰۱۰ م.)، نصر حامد ابوزید (۱۹۴۳-۲۰۱۰ م.)، عبدالله احمد النعیم (۱۹۴۶ م.) و... اشاره کرد.

محمود محمد طه، متفکر سودانی، یکی دیگر از نواندیشان اهل سنت است که به واسطه انتساب نظریه «نسخ معکوس» صاحب‌نام است و آثار بسیاری نیز از خود به جا گذاشته است.

اهمیت و ضرورت اعتبارسنجی نظریه نسخ معکوس بر پژوهشگران پوشیده نیست؛ چراکه این نظریه با بحث اصالت یا عدم اصالت احکام سوره‌های مدنی قرآن و صلاحیت یا عدم صلاحیت این احکام در قرون جدید پیوند استواری دارد و نقد و بررسی این گونه رویکردها و نظریات نو می‌تواند نکات مثبت و منفی آن‌ها را روشن نماید و به حل مسائل مربوط به چگونگی نشان دادن احکام ثابت در کنار مقتضیات متغیر کمک کند.

۱. پیشینه پژوهش

تاکنون مقالات متعددی درباره نسخ نوشته، و این مسئله از ابعاد مختلف واکاوی شده است، اما آنچه با مقاله حاضر ارتباط مستقیم دارد، نظریه «نسخ معکوس» است که بیشتر سه مقاله - به شکل مستقیم یا غیرمستقیم - درباره آن به رشته تحریر درآمده است. از این سه مقاله، نوشتاری با همین عنوان یعنی «نظریه نسخ معکوس» در پایگاه تحلیلی-خبری دین پژوهی دین آنلاین (مرداد ۱۳۹۴) منتشر شده است. این نوشته بسیار موجز و بدون ارجاع است و احسان شجاعی، نویسنده مقاله، تنها در بخش‌هایی از آن به نظریه

مزبور پرداخته است. مقالهٔ دیگر با عنوان «نواندیشی دینی و زن؛ تأملاتی در مبانی معرفتی» در شمارهٔ ۱۹ و ۲۰ مجلهٔ آیین (بهمن و اسفند ۱۳۸۷) به چاپ رسیده است و مجید مرادی یک صفحه از آن را به معرفی نظریهٔ نسخ معکوس و دیدگاه محمد طه اختصاص داده، ولی به اعتبارسنجی این نظریه پرداخته است. مقالهٔ سوم با عنوان «ایضاح نسخ عقلی» نوشتهٔ محسن کدیور است که در وبسایت رسمی او (۱۴ شهریور ۱۳۹۴) منتشر شده است. حدود یک چهارم از مطالب این مقاله به محمد طه و نظریهٔ نسخ معکوس اختصاص دارد. در این مقاله، علاوه بر معرفی محمد طه و توصیف نظریهٔ نسخ معکوس، نظریهٔ مذکور نیز تحلیل و نقد شده است.

نوشتار فرارو با نگاشتهٔ محسن کدیور از نظر کمی و کیفی تفاوت دارد؛ یعنی هر دو بخش توصیف نظریهٔ نسخ معکوس و اعتبارسنجی و نقدهای این نظریه، مفصل تر از مقالهٔ ایضاح نسخ عقلی است. از نظر کیفی نیز دو تفسیر متفاوتی که نویسندگان در این مقاله ارائه داده اند، انتساب یا عدم انتساب آن را به محمد طه متفاوت می کند و در این زمینه، سخنان محسن کدیور در مقالهٔ ایضاح نسخ عقلی نیز نقد شده است. انتساب نظریهٔ نسخ تمهیدی به محمد طه نیز از دیگر تفاوت های این مقاله با مقالهٔ کدیور است.

نویسندگان در این پژوهش ضمن توصیف آرای مهم محمود محمد طه، به تبیین نظریهٔ نسخ معکوس و تشریح ابعاد آن پرداخته اند و با روشی توصیفی، تحلیلی-انتقادی آن را اعتبارسنجی کرده اند.

۲. نگاهی به زندگی و اندیشهٔ محمد طه

محمود محمد طه (۱۹۰۹-۱۹۸۵ م. / ۱۳۲۷-۱۴۰۵ ق.) از نوادگان «حسن ود لیلی»، از صوفیان بزرگ سودان، در شهر رفاعهٔ سودان به دنیا آمد و بعد از تعلیمات مقدماتی به خارطوم رفت و به تحصیل در رشتهٔ مهندس عمران مشغول شد. او در سال ۱۹۴۵ میلادی - در زمان استعمار انگلیس - حزب جمهوری را برای استقلال سودان و استقرار حکومت

جمهوری بنیان گذاشت و به دلیل مبارزات سیاسی، چند بار به زندان افتاد. در دومین دوران زندان، پس از عباداتی از قبیل روزه صمدی^۲ به این نتیجه رسید که خداوند او را مهبیای دعوت جدیدی به اسلام کرده است. وی بعد از آزادی از زندان در سال ۱۹۴۸ میلادی، سه سال از مردم کناره گرفت و خلوت و اعتکاف پیشه کرد و افکاری را که در زندان داشت، با اشراقات روحی و ارتقای نفس تکمیل نمود (ر.ک؛ قдал، ۲۰۰۲م: ۵۰۳). او آرای جدید خود را افاضه مستقیم و الهام بلاواسطه خداوند به قلب خود می دانست. سرانجام، افکار وی باعث صدور حکم ارتداد و اعدام برای او شد (ر.ک؛ الفكرة الجمهورية: <https://www.alfikra.org>).

محور اندیشه های محمد طه را می توان در دو بخش «اندیشه های صوفیانه» و «آرای نواندیشانه» بررسی کرد. تفکر دینی محمد طه، تلفیقی از نوعی طریقه تصوف رایج در سودان و نواندیشی اسلامی به سبک خاص وی بود. محور نخست، گرایش های صوفیانه او مانند گرایش وحدت وجودی است که آن گونه که از کلامش برمی آید، به ادعای الوهیت یا اسائه ادب به ساحت پروردگار انجامید (ر.ک؛ کدیور، ۱۳۹۴: ۲-۳ و محمد طه، ۱۹۸۲، ب: ۸). محور دوم اندیشه های وی، آرای نواندیشانه دینی اوست که از یک سو به ادعای نبوت دومی اسلام و انکار ضروریات دین، مانند زکات، جهاد، طلاق، خلود در نار و از سوی دیگر، صلاحیت اجرای شریعت در قرن بیستم منجر شده است (ر.ک؛ محمد طه، ۱۹۶۹، ب: ۱۴۲-۱۶۱). او با برداشتی آزاد از آیات قرآن کوشیده است تا مشکلات سیاسی و اجتماعی اواخر قرن بیستم سودان را حل کند. طه بین شریعت که به نظر وی، محصول فهم فقها از کتاب و سنت است، با اصل کتاب و سنت فرق گذاشته، معتقد است که رجوع به اسلام و اقتدا به الگوی پیامبر^(ص) و عمل به آیات غیر منسوخ قرآن تنها راه حل مشکلات بشری است، اما حرف جدید او، فهم تازه اش از کتاب و سنت است (ر.ک؛ کدیور، ۱۳۹۴: ۴ و محمد طه، ۱۹۶۹م، الف: https://www.alfikra.org/chapter_view_a.php?book_id=15&chapter_id=14).

۳. نسخ

نسخ در لغت به معانی مختلفی آمده است؛ مانند: «ازاله و برداشتن امری که قبلاً بدان عمل شده است» (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۴: ۲۰۱)، «تبدیل نمودن چیزی به چیزی، به طوری که شیء دوم غیر از شیء اول باشد؛ نسخه برداری» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳: ۶۱) و «انتقال دادن از جایی به جای دیگر» (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۶۰۲).

در اصطلاح نیز تعاریف متعدد و بعضاً متفاوتی برای نسخ آورده اند؛ چنان که نوشته اند: «نسخ در اصطلاح به معنای رفع تشریح سابق - که ظاهر آن مقتضی دوام بوده - با تشریح لاحق است، به گونه ای که اجتماع هر دو با هم ممکن نباشد» (معرفت، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۲۷۴). یا در تعریف دیگری آورده اند: «نسخ، بیان انتهای زمان اعتبار حکم منسوخ است؛ به این معنی که مصلحت جعل حکم اولی، مصلحتی موقت باشد و پس از چندی، حکم دومی پیدا شده، خاتمه یافتن مدت اعتبار حکم اولی را اعلام کند» (طباطبائی، ۱۳۵۳: ۶۹ و همان، ۱۳۹۰، ج ۱: ۲۴۹).

نسخ در تعریف درون دینی به تخصیص زمانی برمی گردد؛ یعنی بدین معناست که امتداد زمانی یک حکم تا حدّ معینی بوده، اکنون با آمدن حکم جدید، عمرش به سر آمده است و باید حکم جدیدی به جای آن بنشیند (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۱۶۷).

دیدگاه های سنتی مربوط به معنای اصطلاحی نسخ درون دینی - به رغم تفاوت هایی بین آن ها - اشتراکات مبنایی دارند و نسخ را ویژه دوران رسالت دانسته اند و غالباً دو رکن نسخ قرآنی - یعنی ناسخ و منسوخ - را خارج از حوزه آیات نمی دانند. از نگاه آنان، نسخ آیه به وسیله آیه ناظر یا غیرناظر تحقق پذیر است (ر.ک؛ معرفت، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۲۷۴). با این حال، طبق دیدگاه برخی دیگر از اندیشمندان، قابلیت ناسخ بودن برای سنت متواتر یا اجماع قطعی کاشف از قول معصوم نیز قابل اثبات است، گرچه نمونه ای برای آن وجود ندارد (ر.ک؛ خویی، بی تا: ۳۵۷).

سه گونه برای نسخ ذکر کرده‌اند: اول، نسخ حکم و تلاوت با هم؛ یعنی آیه‌ای از قرآن که حاوی حکمی شرعی بوده، هم حکمش نسخ شده‌است و هم از مصحف محو گردیده‌است. دوم، نسخ تلاوت بدون نسخ حکم؛ به این معنی که آیه‌ای از آیات قرآن که دارای حکم شرعی بوده، از مصحف حذف و تلاوت آن منسوخ شده، اما حکمش به قوت خود باقی است. سوم، نسخ حکم بدون نسخ تلاوت؛ یعنی متن آیه در مصحف باقی است، اما حکم آن منسوخ شده‌است (ر.ک؛ زرقانی، ۱۳۸۵: ۷۹۲-۷۹۴).

از نگاه شیعه، تنها «نسخ حکم و بقای تلاوت» پذیرفته است، اما دو گونه دیگر را، از آنجا که به تحریف لفظی قرآن منجر می‌شود، نمی‌توان پذیرفت (ر.ک؛ خویی، ۱۳۸۲: ۳۵۴-۳۵۷).

۴. نسخ از دیدگاه محمد طه

نگاشته‌های محمد طه نشان می‌دهد که وی به نوع اول و دوم نسخ، یعنی «نسخ حکم و تلاوت» و «نسخ تلاوت بدون حکم» نپرداخته‌است و مسئله مورد توجه وی نوع سوم نسخ، یعنی نسخ حکم بدون نسخ تلاوت است. دقت در سخنان طه حاکی از آن است که وی علاوه بر نسخ مصطلح به نسخ تمهیدی و نسخ دیگری که آن را «نسخ آیات الفروع و بعث آیات الأصول» نام نهاده، باور داشته‌است.

۴-۱. نسخ مصطلح

یکی از گونه‌های نسخ از نگاه محمد طه، همان نسخ مصطلحی است که اندیشمندان علوم قرآن نیز به آن باور دارند و تعریف آن پیش از این گذشت. طه به نسخ قرآن با قرآن باور دارد و در آثار خود از نسخ آیات اصول (آیات مکی) به وسیله آیات فروع (آیات مدنی) سخن گفته‌است و همین مسئله او را در زمره قائلان به نسخ مصطلح قرار می‌دهد (ر.ک؛ محمد طه، ۱۹۷۱). الف:

www.alfikra.org/chapter_view_a.php?book_id=23&chapter_id=8). با این حال، او نسخ مزبور را نسخی موقت و محکوم به شرایط زمان پیامبر^(ص) می‌داند (ر.ک؛ همان) و معتقد است که در زمان پیامبر^(ص)، مردم جاهلی توانایی تحمل آیات اصول را نداشتند و اجرای این آیات به وقتی موکول شد که بشریت مستعد آن باشد (ر.ک؛ همان: id=5).

سخن اخیر طه بیانگر تفاوت نگاه او با نگاه رایج تعریف نسخ است؛ زیرا جمله مزبور او را در زمره قائلان نظریه استمرار نسخ قرار می‌دهد. توضیح مفصل‌تر این بحث ذیل عنوان‌های بعدی مطرح می‌شود.

۲-۴. نسخ تمهیدی

نسخ تمهیدی به نسخی می‌گویند که هدف آن ریشه کن نمودن برخی عادات غلط جاهلی در یک فرایند تدریجی است که شارع مقدس برای نسخ این سنت‌ها، ابتدا حکمی هماهنگ با جامعه تجویز کرده، سپس عقب‌نشینی نموده‌است و بنیان این عادت غلط را در جامعه فرومی‌ریزد (ر.ک؛ معرفت، ۱۳۸۳: ۷۱). بنابراین، آن حکم تشریح شده اساساً دیدگاه اسلام نبوده‌است و از همان ابتدا با هدف اصلاح سنت‌ها و به صورت موقتی تشریح شده‌است.

انتساب نسخ تمهیدی به محمد طه از آن روست که وقتی وی به بیان محورهای مانند جهاد، برده‌داری، عدم مساوات بین زن و مرد، تعدد زوجات و... می‌پردازد، این موارد را اساساً جزء اسلام نمی‌داند و قائل است که اسلام به سبب همخوانی با شرایط زمان با این مسائل کنار آمده‌است؛ برای مثال، ذیل بحث «نفی عدم مساوات بین زن و مرد» نوشته‌است:

«اسلام بر قومی نازل شد که دختران خود را از ترس عار و ننگ زنده‌به‌گور می‌کردند. در این زمان و مکان، جامعه و زنان نمی‌توانستند پذیرای این باشند

که اسلام حقوقی را که برای زنان در نظر گرفته است، اجرا کند و باید زمان می گذشت تا مردان و زنان به بلوغ شخصیتی برسند و جامعه نیز به تکامل بیشتری دست یابد. به همین سبب، اسلام ارث زن را نصف مرد قرار داد، شهادت دوزن را برابر با شهادت یک مرد دانست و قوامیت مرد بر زن را مطرح ساخت...» (محمد طه، ۱۹۶۹. ب: ۱۵۳).

درباره مسئله تعدد زوجات نیز نوشته است: «اسلام بر جامعه ای نازل شد که در آن زنان کرامتی نداشتند و مانند بردگان با آنان رفتار می شد و رابطه زناشویی نیز بر اساس انسانیت و لطف نبود و مرد می توانست ده ها همسر داشته باشد» (همان: ۱۵۴).

گرچه برخی از تعابیر محمد طه با تعریف نسخ تهمیدی سازگاری دارد، اما استاد معرفت که واضع این نظریه به شمار می آید، مصادیق نسخ تمهیدی را در موارد معدودی مانند «تنبیه کردن زن به سبب نشوز» و مسئله «برده داری» می داند، در حالی که محمد طه دامنه آن را به بسیاری از احکام مدنی می کشاند و همین مسئله باعث می شود که بررسی تفصیلی این بحث را به نوع سوم نسخ موکول نماییم که وی به صراحت از آن نام می برد.

۳-۴. نسخ آیات الفروع و بعث آیات الأصول

طه دو رسالت زیر را برای اسلام قائل است:

۱- رسالت اول یا رسالت مؤمنین: در واقع، همان اسلامی است که در زمان پیامبر^(ص) در دوران ده ساله مدینه محقق شده است و بیشتر تشریحات غیرعبادی آن به دلیل شرایط زمانی و طاق بشری، اسلام بالإصالة نیست و این رسالت بر فروع قرآن بنا شده است (ر.ک؛ محمد طه، ۱۹۶۹. ب: ۱۲۹).

۲- رسالت دوم یا رسالت مسلمانان آخرالزمان: این رسالت مبتنی بر اصول قرآن است که در دوران سیزده ساله مکه نازل شد و به شکل مجسم هنوز متولد نشده است و با فاصله گرفتن از آیات فرعی و نزدیک شدن به آیات اصلی محقق می شود و منتظر فراهم شدن

ظرف مناسب، امت مناسب و رجال مناسب است، اما تحقق آن گریزناپذیر است: «رسالت دوم اسلام این است که اصول دین را فهم کنیم و با فهمی که از این اصول پیدا کردیم، شریعتمان را از قالب‌های قرن هفتم رهایی دهیم. ما بیش از آنی که فروع محور باشیم، باید محوریست را به اصول بدهیم (محمد طه، ۱۹۶۹: الفس: https://www.alfikra.org/chapter_view_a.php?book_id=15&chapter_id=11).

او در کتاب *الرسالة الثانية من الإسلام* نیز نوشته است: «اسلام دو رسالت دارد: رسالت نخست بر فروع قرآن تکیه دارد و رسالت دوم بر اصول آن استوار است. رسالت نخست محقق شده است، اما رسالت دوم هنوز منتظر فراهم شدن ظرف مناسبی برای تحقق‌پذیری است» (محمد طه، ۱۹۶۹م، ب: ۲۰۶).

به نظر محمد طه، شریعت اسلامی قرن هفتم میلادی این صلاحیت را ندارد که با همه جزئیات خود در قرن بیستم پیاده شود؛ زیرا اختلاف سطح جامعه قرن هفتم با جامعه قرن بیستم انکارناپذیر است (ر.ک؛ همان). جهاد و قتال، برده‌داری، سرمایه‌داری، عدم تساوی حقوق زن و مرد، تعدد زوجات، طلاق، حجاب و جداسازی زن و مرد از آیات اصلی قرآن نیست. این آیات در مدینه نازل شده که ناسخ آیات حاوی اصول نازل شده در مکه نداشته می‌شود؛ یعنی حریت انسان، عدم اکراه در دین، اشتراک مردم در اموال، مساوات کامل بین زن و مرد، تک همسری، تداوم ازدواج، عفت و نجابت معنوی مرد و زن و نیز اختلاط زن و مرد که از اصول آیات قرآن هستند.

طبق دیدگاه وی، یا باید اسلام را با مسائل قرن بیستمی دمساز کرد و حل مسائل جدید را در چهارچوب تشریح و اخلاق عهده‌دار شد و یا توانایی آن را در این عرصه نفی کرد و برای حل مشکلات قرون جدید به راه‌های دیگری پناه برد. وی از این دو راه، راه نخست را برمی‌گزیند و راهکار آن را تطویر شریعت می‌داند (ر.ک؛ همان).

از نظر طه، دین شکل هر می دارد که رأس آن نزد خداوند و قاعده‌اش نزد مردم است. شریعت تنزل دین از آن رأس متعالی به حد طاقت بشری است. قاعده هر متناسب با

شرایط عصر نزول بوده است، اما به سمت رأس هرم به اهداف اصلی نزدیک می‌شود. بشر از دوران طفولیت به بلوغ رسیده است و لازمه آن، صعود از شریعت غلیظه به شریعت رقیقه است؛ یعنی ارتقا از نصوص فرعی به سوی نصوص اصلی و از نصی به نص دیگر (ر.ک؛ همان: ۱۹۷).

به نظر طه، رسالت دومی اسلام رجوع به آیات اصل و رها کردن آیات فرعی متناسب با شرایط خاص زمانی است. شریعت اسلامی کامل است، اما کمال آن به انعطاف و قوت‌تطور و تحول آن است که با شرایط مختلف فردی و اجتماعی بشری در طول زمان قابلیت سازگاری دارد. آنچه امروز به نام شریعت اسلامی از آن یاد می‌شود، مبتنی بر متون مرحله دوم (مدینه) است.

طه احکام موجود در کتاب و سنت را دو قسم کرده است: احکام اصلی و دائمی، و احکام فرعی و موقت. اقامه احکام اصلی و دائمی، رسالت اصلی اسلام است. احکام شرعی غیرعبادی فرعی که از مختصات اولین رسالت اسلام است و از آیات فرعی قرآن محسوب می‌شود، احکامی موقت است؛ زیرا متناسب با دوران خود تشریح شده است.

طه با بیان مقدمات فوق، نظریه‌ای را بنیان می‌نهد که در لسان او به «نسخ آیات الفروع و بعث آیات الأصول» مشهور است (ر.ک؛ همان، ۱۹۷۲م: ۳-۴) و دیگران از آن با عنوان «نسخ معکوس» یاد کرده‌اند. بررسی آثار محمد طه نشان می‌دهد که اصطلاح نسخ معکوس در هیچ یک از آثار وی به کار نرفته است و ظاهراً نخستین کسی که از این تعبیر بهره برده است و آن را به طه منتسب ساخته، محسن کدیور در مقاله «ایضاح نسخ عقلی» است. انتساب دیدگاه نسخ معکوس به محمد طه اگر به این معنا باشد که آیات مکی ناسخ آیات مدنی است، درست نیست؛ زیرا چنان‌که پیش از این نیز گفته شد، وی در کتاب‌های خود از نسخ اصول (آیات مکی) به وسیله فروع (آیات مدنی) سخن گفته است (ر.ک؛ محمدطه، ۱۹۷۱م، الف: www.alfikra.org/chapter_view_a.php?book_id=23&chapter_id=8). علاوه بر این، عنوانی که خود او به کار می‌برد، (= نسخ آیات الفروع و بعث آیات الأصول)، گویای نسخ مدنی به وسیله مکی نیست، بلکه در این تعبیر، منسوخ، آیات

فروع است، اما ناسخ پنهان است و از شواهد طه که احکام متعارض با مقتضیات روز و حقوق بشر را در بر می‌گیرد، چنین برمی‌آید که ناسخ، عقل یا سیره عقلاء است.

بنابراین، نمی‌توان نسخ معکوس را - بدین تفسیر که آیات مکی، آیات مدنی را نسخ کرده است - به محمد طه منتسب دانست، اما اگر نسخ معکوس را بدین گونه توضیح دهیم که آیات مکی اصل و آیات مدنی فرع هستند و از آنجا که اصل ثابت و فرع موقت می‌باشد و بر اساس مقتضیات زمان، مکان و مخاطب و با احکام برگرفته از عقل یا سیره عقلاء تغییرپذیر است، در نتیجه، احکام مدنی اصالت خود را به مرور زمان از دست داده‌است و ثبوت احکام مکی آشکار شده‌است، نظریه مزبور از آن محمد طه است.

با توجه به توضیحات مطرح شده، نامگذاری نظریه طه به «نسخ معکوس» تعبیر دقیقی نیست، بلکه باید آن را در زمره نسخ تمهیدی قرار دهیم و از آنجا که وظیفه مصداق‌یابی برای نسخ تمهیدی، بخشی بر دوش عقل و سیره عقلاء است، نام بردن از این نظریه با عنوان نسخ عقلی و عقلایی نیز صحیح است. با این حال، با توجه به شهرت این نظریه به نظریه نسخ معکوس، نقد نظریه طه با همین تعبیر مطرح می‌شود.

۵. نقد نظریه نسخ معکوس

نظریه مسمی به نسخ معکوس از جهت‌های مختلفی قابل نقد است که برخی کلی و برخی جزئی هستند:

- نخست آنکه اگر این مدعای مبنایی نسخ معکوس، یعنی موقتی بودن آیات مدنی و ابدی بودن آیات مکی صادق بود، باید پیامبر^(ص) تغییر پیام جهانی و ابدی مکه را بر اساس مقتضیات سیاسی و حکومتی مدینه به مسلمانان اعلام می‌کرد، در حالی که چنین نصی از پیامبر^(ص) وجود ندارد و آیات مدنی دنباله همان اصولی است که در مکه گفته شد.

- دوم آنکه اگر چنین مدعایی درست بود، مسلمانان به پیامبر^(ص) اعتراض می کردند که چرا پیام جهانی مکه در مدینه تغییر بنیادین پیدا کرده است، در حالی که چنین اعتراض‌هایی از طرف مسلمانان در تاریخ ثبت نشده است.

- سوم آنکه ناسخ در مواردی که محمد طه با عنوان نسخ آیات فروع و بعث آیات اصول از آن نام برده، می تواند عقل، خرد جمعی و یا قرآن باشد؛ زیرا محمد طه در اقوال خود صریحاً ز ناسخ آیات الفروع سخن نگفته است. اگر ناسخ آن را قرآن (آیات مکی) در نظر بگیریم، به حوزه نسخ مصطلح سنتی ارتباط پیدا می کند، در حالی که دیدگاه او با موازین نسخ مصطلح تفاوت دارد و پذیرفتنی نیست؛ زیرا در دیدگاه متعارف، ناسخ باید از منسوخ تأخر زمانی داشته باشد (ر.ک؛ معرفت، ۱۴۱۵ق.، ج ۲: ۲۷۴؛ غریب‌الخمیس، ۱۴۲۳ق.:: ۱۳۴؛ زغلول، ۱۴۲۵ق.:: ۴۵ و زرکشی، ۱۴۱۰ق.:: ۱۶۰)، در حالی که در دیدگاه طه، ناسخ مقدم بر منسوخ است و این امر بدون استناد یا استدلال پذیرفتنی نیست.

نسخ احکام مدنی به وسیله عقل یا سیره عقلا نیز پذیرفته نیست؛ زیرا هیچ تعریف واحدی برای عقل وجود ندارد. بنابراین، نمی توان محدوده‌ای برای پدیده نسخ عقلی در نظر گرفت و با توجه به تفاوت درک و فهم، هر عقلی متناسب با عوامل بسیاری که از آن‌ها تأثیر پذیرفته، برخی از احکام را فرع می‌پندارد و آن‌ها را منسوخ اعلام می‌کند و همین مسئله، زمینه را برای فروپاشی دین و نابودی تلاش‌های چند هزارساله رسولان الهی فراهم می‌کند.

در نقد خرد جمعی و رأی اکثریت نیز ادله درون‌متنی بسیاری وجود دارد. خداوند در آیه ۱۱۶ سوره انعام می‌فرماید: ﴿وَإِنْ تُطِعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ﴾. از آنجا که سیره عقلا گاهی در غیر عقل ریشه دارد (ر.ک؛ علیدوست، ۱۳۹۱: ۲۱۹) و مصلحت عامه را مدنظر قرار می‌دهد (ر.ک؛ صابری، ۱۳۸۱: ۴۹) و از آنجا که مصلحت عامه همیشه مصاد به حق نیست،

یقین آور نمی باشد و پیروی از غیریقین در معارف الهی با اضلال برابر است. (ر. ک؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۶: ۴۵۵).

- چهارم آنکه می توان گفت:

«نسخ به توهم تنافی غیرذاتی مفاد دو آیه، هیچ دلیلی ندارد و نمی توان به آن پایبند بود. مکی بودن ناسخ و مدنی بودن منسوخ دلیل معتبری برای نسخ محسوب نمی شود. اگرچه بسیاری از اصول تعالیم اسلامی در دوران مکه و بسیاری از فروع شریعت اسلامی در دوران مدینه نازل شده، اما چنان که خود طه در موارد متعددی به مستثنیات این تقسیم بندی اذعان کرده، تعمیم هر آیه مکی به اصل و هر آیه مدنی به فرع امری بی دلیل است» (کدیور، ۱۳۹۴: ۵).

- پنجم می توان گفت:

«توجهات طه در اثبات اصل بودن برخی از احکام در قرآن قابل مناقشه جدی است. مساوات اقتصادی (سوسیالیسم)، مساوات سیاسی (دموکراسی) یا عدم طلاق از آن جمله است. قرار نیست هر امری که تجربه بشری انسان مدرن به درستی آن رأی داده است، به کتاب تحمیل شود. طلاق یک واقعیت ولو ناپسند است، اما هرگز عدم آن از اصول نبوده است و قابل انتساب به اسلام، ولو به رسالت ثانی اش (به تعبیر طه) هم نیست» (همان: ۵).

- ششم آنکه با نظریه محمد طه، عملاً چیزی از احکام اسلام باقی نمی ماند، چون در مکه احکام زیادی نیامده است، در حالی که محمد طه روی محورهای خاصی تأکید کرده است که با مسائل حقوق بشری تناقض دارد و از احکام دیگر سخنی نگفته است. بنابراین، از این تعارض می توان برداشت کرد که نظریه او از هر گونه مبنای استواری فارغ است و صرفاً به سبب همخوان کردن احکام با دستاوردهای حقوق بشری ارائه شده است.

- هفتم اینکه در مدینه فقط احکام نازل نشده، بلکه آیات مربوط به عقاید و اخلاق نیز نازل شده است. بنا بر دیدگاه محمد طه، باید این دسته از آیات نیز جزء احکام فرعی قرار

گیرد، در حالی که آیات مکی نیز بر محوریت عقاید است، اما وی به اصل بودن آنها اعتقاد دارد و این نمونه دیگری از تناقض‌های نظریه وی است.

نتیجه‌گیری

بحث نسخ از مباحث مهم علوم قرآنی است و نظرات متفاوت و گاه متناقضی درباره آن گفته شده است. یکی از نظریات معاصر در این باب، نظریه نسخ معکوس منتسب به محمود محمد طه، متفکر سودانی، است. اندیشه‌های محمد طه دو محور اندیشه‌های دینی و سیاسی را در بر می‌گیرد و تفکر دینی وی متشکل از دو محور اندیشه‌های صوفیانه و آرای نواندیشانه است. خاستگاه نظریات نواندیشانه محمد طه، هم به جنبه درونی شخصیت وی و هم به جنبه بیرونی، یعنی به تحولات عصر جدید و تعارض سنت و مدرنیته بازمی‌گردد و وی برای دمساز کردن اسلام با مدرنیته به چنین نظریاتی روی آورده است.

از سخنان محمد طه برمی‌آید که وی علاوه بر نظریه خود که از آن با عنوان «نسخ آیات الفروع و بعث آیات الأصول» نام می‌برد، به نسخ مصطلح نیز باور داشته است. از نظریه «نسخ آیات الفروع و بعث آیات الأصول» او با عنوان نسخ معکوس نام برده‌اند، اما این نامگذاری دقت لازم را ندارد و بهتر آن است که این نظریه را ذیل نظریه نسخ تمهیدی با بسط دامنه مصداقی آن قرار دهیم؛ زیرا طه از نسخ مدنی به وسیله مکی سخنی نگفته است و عنوان نظریه او نیز ناظر به این نسخ وارونه نیست.

بر اساس این پژوهش، اشکالات نظریه مسمی به نسخ معکوس عبارتند از:

- ۱- اگر مبنای نظریه نسخ معکوس درست بود، باید پیامبر^(ص) تغییر پیام ابدی مکه را بر اساس مقتضیات سیاسی مدینه به مسلمانان اعلام می‌کرد، در حالی که چنین نصی از پیامبر^(ص) وجود ندارد و آیات مدنی دنباله همان اصول دوران مکه است.

۲- اگر چنین مدعایی درست بود، مسلمانان به پیامبر^(ص) اعتراض می کردند که چرا پیام ابدی مکه در مدینه تغییر بنیادین پیدا کرده است، در حالی که این اعتراض از مسلمانان ثبت نشده است.

۳- تعریف محمد طه از نسخ معکوس می تواند در حوزه نسخ مصطلح قرار گیرد که در این صورت، نگاه وی با موازین این نوع نسخ متفاوت است. در دیدگاه متعارف، ناسخ باید از منسوخ تأخر زمانی داشته باشد، در حالی که در دیدگاه طه، ناسخ مقدم بر منسوخ است. وجه دیگر این است که ناسخ را خرد فردی یا خرد جمعی تلقی کنیم که بنا بر استدلال‌های موجود در مقاله، پذیرفتنی نیست.

۴- مکی بودن ناسخ و مدنی بودن منسوخ دلیل معتبری برای نسخ محسوب نمی شود. اگرچه بسیاری از اصول تعالیم اسلامی در دوران مکه و بسیاری از فروع شریعت اسلامی در دوران مدینه نازل شده، اما چنان که خود طه در موارد متعددی به مستثنیات این تقسیم‌بندی اذعان کرده، تعمیم هر آیه مکی به اصل و هر آیه مدنی به فرع، امری بی دلیل است.

۵- آرای طه در اثبات اصل بودن برخی از احکام قرآنی، مانند سوسیالیسم، دموکراسی یا عدم طلاق پذیرفتنی نیست. هر امری که تجربه بشری انسان مدرن به درستی آن رأی داده، نباید به کتاب تحمیل شود. عدم طلاق از اصول نبوده است و قابل انتساب به اسلام نیست.

۶- با نظریه نسخ معکوس عملاً چیزی از احکام اسلام باقی نمی ماند، چون احکام زیادی در مکه نیامده است، در حالی که محمد طه روی محورهای خاصی تأکید کرده است و از احکام دیگر سخن نگفته است. بنابراین، با توجه به تعارض‌های موجود، نظریه او مبنای استواری نداشته است و صرفاً به سبب همخوان کردن احکام با دستاوردهای حقوق بشری ارائه شده است.

۷- هر سه دسته آیات اخلاق، عقاید و احکام در مدینه نازل شده است و بنا بر دیدگاه محمد طه باید آیات اخلاقی و عقیدتی نیز جزء احکام فرعی قرار گیرد، در حالی که

آیات مکی نیز بر محوریت عقاید است. اما وی به اصل بودن آن‌ها اعتقاد دارد و این نمونه دیگری از تناقضات نظریه وی است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. نواندیشی یا روشنفکری دینی می‌تواند معانی متفاوتی داشته باشد؛ چنان‌که می‌توان «بازگشت به دین»، «بازگشت به دین اصیل»، «مدرن‌سازی دین»، «عقلانی‌سازی دین»، «بازسازی دین» و... را از جمله معانی آن دانست. با مد نظر قرار دادن هر یک از معانی مزبور می‌توان دسته‌ای از اندیشمندان را از نواندیشان به حساب آورد و بسیاری از متفکران شیعه، همچون شهید مطهری، علی شریعتی، صالحی نجف‌آبادی و... نیز در زمره نواندیشان دینی قرار می‌گیرند. آنچه از نواندیشان دینی در متن این مقاله مراد است، کسانی هستند که به دنبال تعارض سنت و مدرنیته، رشد خردمحوری و نیز تحت تأثیر از مغرب زمین، به دنبال مقاصد محوری در احکام شریعت، میل دادن احکام شریعت به سمت و سوی منشورهای حقوق بشری و اثبات تساوی حقوقی و... بوده‌اند و تمام نظریات آنان از یک مقوله به نام «وحی» نشأت می‌گیرد که با تفسیرهای متفاوت از آن، نظریات جدیدی را در حوزه دین بیان کرده‌اند. در میان شیعه نیز افراد زیادی مانند صدیقه وسمقی، ابوالقاسم فنایی، عبدالکریم سروش، مصطفی ملکیان، احمد قابل، محسن کدیور و... در این سلك قرار می‌گیرند که بیشتر اینان وامدار نظریات نواندیشان اهل سنت و متأخر از آنان هستند و از همین روی، سهم نواندیشان دینی اهل سنت در این زمینه بیش از نواندیشان شیعی به معنای گفته شده است (برای آشنایی بیشتر با جریان نواندیشی و نواندیشی تشیع، ر.ک؛ هاشمی، ۱۳۹۶: ۱۴ و ۳۲؛ مسعودی، ۱۳۹۲: ۱۸؛ فراست‌خواه، ۱۳۸۸: ۱۷، ۷۰، ۱۰۶، ۱۱۶، ۱۲۴، ۱۲۵ و ۱۸۹؛ مهریزی، ۱۳۹۴: ۸ و...).

۲. هفت شبانه‌روز پی‌درپی امساک از خوردن و نوشیدن.

۳. «و أن الاسلام رسالتان: رسالة أولى قامت على فروع القرآن و رسالة ثانية تقوم على أصوله و لقد وقع التفصيل على الرسالة الأولى ولا تزال الرسالة الثانية تنتظر التفصيل و سیتفق لها ذلك حين یجئ رجلها و حين تجئ أمتها...».

منابع

- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق.). *لسان العرب*. بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزيع - دار صادر.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۸). *تفسیر موضوعی قرآن کریم (قرآن در قرآن)*. قم: اسراء.
- خویی، سید ابوالقاسم. (بی تا). *البيان فی تفسیر القرآن*. بی جا: بی نا.
- زرکشی، محمد بن عبدالله. (۱۴۱۰ق.). *البرهان فی علوم القرآن*. بیروت: دارالمعرفة.
- زرقانی، محمد عبدالعظیم. (۱۳۸۵). *مناهل العرفان فی علوم القرآن*. ترجمه محسن آرمین. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- زغلول، محمد حمد. (۱۴۲۵ق.). *التفسیر بالرأی*. ط ۲. دمشق: مكتبة الفارابی.
- صابری، حسین. (۱۳۸۱). *عقل و استنباط فقهی*. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- طباطبائی، سید محمد حسین. (۱۳۹۰ق.). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- _____ . (۱۳۷۴). *ترجمة تفسیر المیزان*. ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- علیدوست، ابوالقاسم. (۱۳۹۱). *فقه و عقل*. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- غریب الخمیس، رمضان. (۱۴۲۳ق.). *الإمام محمد الغزالی جهوده فی التفسیر و علوم القرآن*. قاهره: دارالحرم للتراث.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق.). *کتاب العین*. ج ۲. قم: نشر هجرت.

- فراست خواه، مقصود. (۱۳۸۸). *سرخااز نواندیشی معاصر*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۱۴ق.). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*. قم: مؤسسه دارالهجرة.
- قدال، محمد سعید. (۲۰۰۲م.). *تاریخ السودان الحديث (۱۸۲۰-۱۹۵۵م.)*. ط ۲. بی جا: مرکز عبدالکریم میرغنی.
- کدیور، محسن. (۱۳۹۴). «ایضاح نسخ عقلی». *وبسایت رسمی محسن کدیور*: <https://kadivar.com/?p=14660>.
- _____ . (۱۹۶۹م.). الف. *الإسلام برسائله الأولى لایصلح لإنسانية القرن العشرين*. ط ۱. بی جا: بی نا (کتاب آنلاین).
- _____ . (۱۹۶۹م.). ب. *الرسالة الثانية من الإسلام*. ط ۳. سودان: بی نا (طبع الکترونیکی).
- _____ . (۱۹۷۱م.). الف. *تطوير شريعة الأحوال الشخصية*. ط ۱. بی جا: بی نا (کتاب آنلاین).
- _____ . (۱۹۷۱م.). ب. *القرآن و مصطفى محمود والفهم العصري*. ط ۱. بی جا: بی نا (کتاب آنلاین).
- _____ . (۱۹۷۲م.). *الثورة الثقافية*. ط ۱. بی جا: بی نا (کتاب آنلاین).
- مسعودی، جهانگیر. (۱۳۹۲). *هرمنوتیک و نواندیشی دینی (تطبيق اصول هرمنوتیک گادامر و تطبيق آن بر مبانی معرفتی نواندیشان مسلمان ایرانی)*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- معرفت، محمد هادی. (۱۳۸۳). «نوآوری ها و نظریات جدید در گفتگو با آیت الله معرفت». *بینات*، شماره ۴۴. سال یازدهم، ص ۹۹-۱۰۷.
- _____ . (۱۴۱۵ق.). *التمهید فی علوم القرآن*. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- هاشمی، محمد منصور. (۱۳۹۶). *دین اندیشان متجدد؛ روشنفکری دینی از شریعتی تا ملکیان*. تهران: کویر.